

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هفتم، شماره هجدهم، زمستان ۱۴۰۰، ص ۹۸-۱۱۷

موانع ارث از دیدگاه فقه شیعه و مذاهب اربعه^۱

هاشم مجتهدی^۲

چکیده:

گاهی به دلایل و سبب‌هایی که پیش می‌آید، کسی که باید به طور طبیعی و مطابق احکام شرعی، از میت ارث ببرد، به صورت دائم یا موقت از آن محروم می‌شود. این موانع متعدد هستند موانع ارث، ویژگی‌هایی است که اگر فردی داشته باشد، از نظر شرعی باعث محرومیت او از همه یا بخشی از سهم الارث می‌شود. غیر مسلمان بودن، قتل و جزو مهم‌ترین موانع ارث است. این موانع در مذاهب خمس از نظر تعداد باهم متفاوت هستند. در ۳ مورد از جمله قتل، کفر، رقیق اختلاف نظری میان مذاهب خمس وجود ندارد.

کلیدواژه: ارث، موانع ارث، کفر، قتل، رقیق.

۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲

۲ - دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم (mojtahedi.h.yahoo.com)

بیان مسأله:

ارث به کلیه اموال، عناوین، بدهی‌ها، حقوق و وظایف شخص پس از مرگش گفته می‌شود که به شخص دیگری منتقل می‌گردد. ارث آن چیزی است که با موت انسان دیگری نسبت به ترکه از طریق نسب انسان اصالتاً یا سبب مستحق می‌گردد. مانع عبارت است از وجود صفتی در شخص وارث و یا سرزدن عملی از وی که در نتیجه ی او را از اصل یا از بعضی ارث محروم گرداند. تعدادموانع ارث در هر مذهبی از مذاهب خمس متفاوت است. حتی در بین فقهای شیعه نیز تعداد آن متفاوت است در این مقاله سعی داریم به بررسی موانع ارث در مذاهب خمس بپردازیم.

موانع ارث چیست؟

موانع ارث از دیدگاه فقهای اهل سنت چگونه بیان شده است؟

موانع ارث از دیدگاه فقهای شیعه چگونه است؟

تاریخچه ارث

آنچه از اسناد و نوشته‌ها بدست آمده است. نشان می‌دهد که ارث در تمامی ادیان و مذاهب و ملل مختلف وجود داشته، چنانچه در بابل مطابق قانون نامه حمورابی ارث میان فرزندان پسر تقسیم می‌شد و دختران تنها حق جهیزیه داشتند. بدین ترتیب آنچه از اموال میت باقی می‌ماند همه اموال به فرزندان ذکور تعلق می‌گرفت و فقط از مال میت جهیزیه ای برای دختر تهیه می‌شد و دیگر دختر هیچ سهمی در ترکه میت نداشت.

در قانون یهود، دختر با بودن پس از ارث محروم می شد و سهم پسر ارشد دوبرابر سهم سایر پسران میت می باشد و با بودن پسران، دختران فقط حق جهیزیه داشتند.

در قانون مسیحیت، دختر و پسر بطور مساوی ارث می بردند و برای پسران و دختران که هنوز ازدواج نکرده اند مخارج عروسی آنها از اموال و دارایی میت جدا می شود و بقیه را بطور مساوی میان فرزندان تقسیم می کنند.

در قانون مسیحیت، شخص قبل از مرگ می تواند فرزند بدرفتار یا خارج از مذهب خود را کلاً از ارث محروم نماید و همچنین می تواند با وصیت، دارایی و اموال خود را به هر کس که بخواهد به کلیسا منتقل نماید.

همچنین مرد اگر فرزند نداشته باشد در صورتی که همسرش تعهد نماید که بعد از مرگ شوهرش هرگز ازدواج نمی کند، تمام دارایی و اموال شوهر به همسرش تعلق می گیرد.

در ایران باستان، ارث میان پسران و دخترانی که شوهر نکرده بودند و همسران بطور یکسان تقسیم می شد و اگر دختر شوهر کرده بود، در این صورت از پدر یا کفیل خود ارث نمی برد.

در دوران جاهلیت، در میان اعراب جاهلی به دلیل اینکه زنان و کودکان چون در حمله و کشتار دشمن شرکت نمی کردند و همچنین سواری نمی دانستند، از ارث محروم بودند، و گاهی زن فرد مرده را هم جزو اموال و دارایی محسوب می کردند و به صورت سهم ارث او را تصاحب می کردند.

جایگاه ارث در حقوق اروپا

ارث در حقوق اروپا بر اساس اصل همخوانی استوار است. بدین ترتیب که هر کس که از نظر خون به میت نزدیکتر باشد به تنهایی ارث می برد و دیگران را از ارث محروم می سازد.

در اروپا زن در صورتی ارث می برد که هیچیک از چهار طبقه ورثه نسبی یا دوازدهمین درجه وجود نداشته باشد، و می بینیم که این در قانون کمتر اتفاق می افتد که زن بتواند از دارایی شوهر ارث ببرد و آشکار است که با این قانون زن با حقوق چندانی در اروپا برخوردار نیست و در اصل، از ارث محروم می باشد

جایگاه ارث در اسلام

هر مکتبی که بخواهد بشر را به سعادت برساند باید به جنبه فردی و اجتماعی او توجه خاصی داشته باشد، و دین مبین اسلام در زمینه فطرت و آفرینش و نیازهای فردی و اجتماعی و روانی زن و مرد توجه ویژه ای داشته تا آنجا که زنان را از ارث بهره مند ساخته است .

چنانچه در مکاتب و ادیان گذشته بررسی شد، هیچگونه حق و حقوقی برای زن قائل نبودند و این در صورتی است که اسلام ۱/۲ ارث مردان را برای زنان در نظر گرفته است.

مسئله ارث زن در اسلام، همیشه از سوی غرب زدگان و مستشرقین و غربیها مورد اعتراض واقع شده و از مدتها پیش این مسئله را مطرح کرده اند که اسلام با دو برابر ارث و دیه مردان، بر زنان ظلم روا داشته، ولی اگر به اصل موضوع توجه کنیم، می بینیم که اینها نه تنها از زن و حقوق او دفاع نمی کنند بلکه در جوامع خودشان نیز کوچکترین ارزشی برای زن قائل نیستند، زن مسلمان نه تنها از مهریه و جهیزیه برخوردار است، بلکه از جهاد و هزینه آن و پرداخت مخارج زندگی دیه (عاقله) معاف بوده و تمامی این امور بر عهده مرد می باشد. (حسن عرب)

مفاهیم

مفهوم ارث

تاکنون تعاریف متعددی از ارث در نظام فقه و زبان حقوق به عمل آمده است. از جمله: «المیراث ما يستحقه انسان به موت انسان آخر به نسب او سبب بالصالة» (ارث آن چیزی است که با موت انسان دیگری نسبت به ترکه از طریق نسب انسان اصالتاً یا سبب مستحق میگردد) (الحسینی العاملی، بی تا: ۴۴) و نیز «:ارث در لغت مصدر به معنای استحقاق است؛ زیرا ورثه با فوت مورث نسبت به ترکه به وسیله نسب یا سبب استحقاق آن را پیدا میکنند» (قبلهای خویی، ۱۳۸۹: ۴۴). از محاسن این تعاریف آن است که به راستی مفهوم ارث در معنای استحقاق و شایستگی معرفی کرده و آن را به عنوان یک حق بیان نموده است و در نتیجه مفهوم حقیقی ارث را از مفاهیم مشابه آن تفکیک نموده و مانع دخول دیگر مفاهیم مغایر گردیده است. مفاهیمی نظیر توارث، میراث، ترکه، وصیت که هر کدام از مشترکاتی با مفهوم ارث برخوردار هستند. مقنن مدنی نیز هر چند که به تعریف ارث نپرداخته در عین حال در مواد مربوط به ارث به مفهوم حق بودن آن التفات داشته و مراتب مختلف آن را در مواد مربوط لحاظ داشته است؛ از جمله در ماده (۸۷۵) مقرر داشته است که «شرط وارث، زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حاملی باشد در صورتی ارث میبرد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگرچه پس از تولد بمیرد.» فوراً علیرغم این وضوح در تعبیر و تقنین، مفهوم ارث به لحاظ خلط گردیدن با صبغه حکمی آن، در زبان حقوقدانان بیشتر به عنوان یک نماد حکمی قاعده آمره، استفاده شده و حتی به درجه مفهوم «ترکه» تنزل یافته و با آن مترادف گردیده است. در حالیکه مفهوم فقهی و حقوقی ارث، اعتباری است که

شارع حکیم به عنوان یک حق) نه حکم) برای ارثبر منظور داشته است ارث استحقاقی است که هر شخص نسبت به دارا شدن از ترکهُ مورث در قالبی قانونی حمایت شده دارد (جانشیني در دارا شدن ترکه و حقوق متعلق آن). ارث در اصطلاح حقوق مدنی ارث به دارایی متوفی بعد از کسر واجبات مالی و دیون و ثلث، ارث میگویند. (جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوقی، ۲۸/۱۴)

مانع

مانع چیزی است که وجود وی باعث عدم معلوم میشود، ولی ضرورتاً عدم وی باعث وجود معلوم نخواهد شد. در (نکاح) که ایجاب و قبول و اجازه ی پدر در کنار یکدیگر مقتضی را ایجاد کرده اند، ولی برای این که این مقتضی از تأثیر باز نماند باید مانعی نیز در کار نباشد. برای نمونه اگر فردی بخواهد با یکی از محارم خویش ازدواج کند، «عامل محرومیت» در این جا مانع از انعقاد عقد نکاح و مانع از تأثیر مقتضی خواهد شد. اما از طرفی عدم محرومیت به تنهایی موجب ایجاد عقد نکاح نخواهد شد. اما عامل دیگری که عدم المانع است نیز باید به آن ضمیمه شود تا مقتضی بتواند تأثیر خود که همان حالت توارث است را به جا گذارد. به عنوان مثال اگر فرزند یا همسر مورث، قتل عمدی انجام داده باشد، این مانع از ارث بردن آنان میشود. (جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوقی، ش ۵۵۸۵)

مانع ارث و تعریف حقوقی آن

در قانون مدنی کشور ما تعریفی از موانع ارث ارائه نشده و تنها به ذکر موانع اکتفا شده است. ام در کتابهای حقوقی معاصر، قبل از بیان موانع ارث به تعریفی در این باره پرداخته شده است. در تعریفی از موانع در کتابهای حقوقی آمده است: «موانع عبارت است از وجود صفتی در شخص وارث و یا سرزدن عملی از وی که در نتیجه ی او را از اصل یا از بعضی ارث محروم گرداند، با توجه به این تعریف موارد زیر مورد لحاظ قرار گرفته است: الف) موانع ارث وصف است، در این صورت مسایل حجب و حرمان و نقصان بیرون از این بحث است چون حاجب شخص است نه صفت. ب) موانع ارث، صفت وارث است نه وصف مورث، پس اگر صفتی در مورث وجود داشته باشد که بدان خاطر ما ترک به ورثه منتقل نشود، از جمله موانع ارث محسوب نمیگردد. بنابراین مبنای آن گونه که ائمه معتقدند نبوت از موانع ارث است، اموال و ترکه شخص پیامبر(ص) به اولاد و ورثه اش منتقل نمیشود دور از منطوق و پایه حقوقی است، زیرا نبوت به عنوان صفتی در جانب مورث در نظر گرفته شده نه در جانب وارث. ج) وارث باید شخصی باشد که به لحاظ حقوقی دارای اقتضای ارث بردن از مورث خود باشد. یعنی او ابتدا و بدون در نظر گرفتن صفتی که در وی به وجود آمده یا فعلی که از وی بروز کرده است، باید قابلیت ارث بردن از ترکه مورث خود را داشته باشد، ولی به جهت بروز آن صفت یا سرزدن آن فعل خاص به حکم شرع از ارث بردن محروم شده است. به عنوان مثال قاتل عمدی و از روی علم بدون در نظر گرفتن عمل قتل عمدی که از وی سرزده است، باید قابلیت ارث بردن از مورث خود را از طریق نسب یا سبب صحیح دارا باشد. منتهی با سرزدن عمل قتل از وی در حق مورث، موانع ارث بردن او از مورث است. د) با در نظر گرفتن این تعریف، وجود حملی که در هنگام فوت مورث قابلیت ارث بردن را از او دارد، باز نمیتواند به عنوان مانع فرض شود. زیرا همان طوری که در تعریف بیان شد وجود صفت خاص در وارث یا سرزدن عملی یا فعلی از او، که به حکم شرع رابطه ی عمل از ارث بردن ممنوع شرط شده است. در حالی که در ما نحن فیه وجود حمل قابل

وراثت به هنگام فوت مورث، صفت یا فعل محسوب نمیشود، بلکه میتواند به عنوان حاجبی که وجودش باعث حرمان ورثه از بعضی یا کل ماترک گردد به حساب آید.

تبیین ماهیت موانع ارث

موانع ارث موقعی شناخته می شود که دارای ویژگی های ذیل باشند: اول آنکه مانع در وارث جمع شده باشد یا مانع از اصل ارث گردد نه آنکه ویژگی خاص موجود در مورث، مانع کسب ارث گردد بر این اساس ادعای اهل تسنن مبنی بر عدم ارث بری فرزندان پیامبر صحیح نمی باشد. توضیح آنکه پیروان اهل تسنن معتقدند نبوت از جمله موانع ارث است و دارای شخص پیامبر به استناد "نحن معاشر الانبیاء لا نورث و ماترکنا" به اولاد و ورثه اش منتقل نمی گردد (الشوکانی، ۱۳۵۷ق، ج ۵). در حالی که در جواب باید گفت نبوت وصف و امتیازی است که در شخص مورث حاصل می گردد نه وارث. لذا هیچ معنی در ارث بردن همسر و فرزندان پیامبر نیست و نبوت را نمی توان به عنوان مانع ارث تلقی نمود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳ش ص ۲۷۴) ویژگی دوم مانع ارث آن است که مانع وصف باشد نه شخص، پس هیچگاه حاجب نمی تواند به عنوان مانع ارث تلقی گردد چراکه حاجب شخص است نه وصف (همان ص ۸۰) اما در بین موانع ارث، برخی مانع حقیقی هستند و برخی چنین نیستند، ویژگی خاصی که موجب می شود مانع، مانع حقیقی باشد این است که در وارث، مقتضی وراثت وجود داشته باشد یعنی هم اسباب ارث که سبب و نسب است موجود باشد و هم شروط ارث (دکتر امامی، ۱۳۴۰ و دکتر لنگرودی، ۱۳۶۳) پس بر این مبنا و با توضیحات ارائه شده مشخص می گردد موانع ارث محدود بوده و نمی تواند تمامی موارد مذکور در فقه به عنوان مانع ارث محسوب گردد. و موانعی که اغلب فقها و از جمله قانون مدنی ایران، آنها را به عنوان موانع ارث نام برده اند نیز برخی، از مصادیق مانع در علم منطق بوده و برخی از مصادیق عدم مقتضی است

به عبارت روشن تر، به نظر می رسد تنها قتل و کفر از موانع حقیقی ارث هستند، حال پس از شناخت موانع حقیقی ارث ذیلا قطعی ترین مانع ارث که مورد نظر قاطبه مکاتب فقهی و مذاهب اسلامی است مورد بررسی قرار می گیرد.

حصای موانع ارث در مذاهب اسلامی

الف) تعداد موانع ارث در فقه امامیه در بررسی کتابهای فقهی امامیه این گونه به دست می آید که بیشتر فقهای امامیه را عقیده بر آن است که سه عامل کفر، قتل، رقیق از موانع ارث به شمار می آیند و سایر مذاهب اسلامی بر مانعیت سه عامل مذکور اتفاق دارند. (طوسی، خلاف فی الفقه، ج ۲، ص ۷۳).

ولی در بین فقهای امامیه عدهای تعداد موانع را بیش از سه مورد ذکر کرده اند. اینان «ولادت از زنا» و «لعان» را نیز جزو موانع یاد شده به حساب آورده اند و موانع را پنج تا ذکر کرده اند. (خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ۲/۳۶۴).

بعضی دیگر هم چون شید اول در کتاب «اللمعه الدمشقیه» هفت مورد ذکر کرده اند و این در حالی است که همین نویسنده در کتاب دیگر خود یعنی «الدروس» تعداد موانع را بیست مورد آورده است: این موارد عبارتند از: ۱- رقیق ۲- کفر ۳- قتل ۴- لعان ۵- تولد از زنا ۶- شک در نسب ۷- غیبت منقطع و وارث ۸- دین مستغرق در ترکه ۹- علم به اقتران مرگ متوارثین ۱۰- حمل قابل وراثت مادامی که به دنیا نیامده است ۱۱- وجود وارث اقرب ۱۲- واقع کردن عقد توسط مریض در مرض موت خویش بدون اذن ورثه ۱۳- طفلی که بدون حرکت و گریه به دنیا آمده و علم به حیات وی پس از به دنیا آمدن نیست. ۱۴- شک در حریت و عبدیت وارث ۱۵- منع به اندازهی

حبه ۱۶- منع به اندازهی کفن ۱۷- منع به اندازهی ثل ترکه در اثر وصیت ۱۸- موقوفه بودن ترکه ۱۹- درآمدن عبد جانی به بندگی مجنی علیه با ولی مجنی علیه بر اثر جنایت که این عمل وی مانع از ارث بردن ورثه عبد از او میشود. ۲۰- تبری نزد حاکم شرع از گناهان فرزند و میراثش (عاملی [شهید اول]، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ص ۲۳۵).

فقیه دیگری هم چون شیخ بهاءالدین عاملی در کتاب «جامع عباسی» به موانع بیستگانه که شهید اول در کتاب «الدروس» ذکر کرده، سه مانع دیگر افزوده است که عبارتند از: ۱- فرزند داشتن زن از شوهر اول خود که موجب محرومیت وی از ارث شوهر دومی میشود ۲- شیردادن همسر بزرگتر به همسر کوچکتر شوهر خویش که باعث حرمت ابدی زن بزرگتر به شوهر میگردد و در نتیجه ممنوع از ارث او میشود ۳- محروم کردن پدر فرزند خود را از ارث بردن که در این صورت فرزند مذکور از ثلث ما ترک پدر محروم میگردد. (عاملی، جامع عباسی، ص ۳۹۵).

با توجه به تعریفی که از معنای مانع در ابتدای پژوهش داشتیم از بررسی موانع یاد شده به این نتیجه میرسیم که به جز موارد قتل و کفر و رقیت، مابقی به نوعی مشمول تعریف مانع نیستند، زیرا در تعریف مانع دانستیم که وارث در درجه ی اول باید به وسیله ی نسب و سبب صحیح به مورث خود منتسب باشد، و دیگر این که در طبقه و درجه ی خود که به واسطه قرار گرفتن در آن طبقه ارث بر شده اند قرار گرفته باشد. پس این چنین شخصی که بالذات وارث شرعی مورث خود است، به واسطه ی وجود صفت یا حدوث فعلی از ارث مورث خود محروم شده باشد و این محکومیت هم به حکم شرع صورت گرفته باشد در حقیقت مانع شرعی وجود پیدا کرده است و این در حالی است که موارد ذکر شده از سوی قائلین، آن گونه است که یا اصلاً وارث از راه نسب و سبب صحیح به مورث خود منسوب نمیشود، همانند فرزند مشکوک النسب، یا این که وجود صفت یا حالت

خاصی در شخص وی در نظر گرفته نشده، بلکه وجود آن صفت یا حالت در مورث یا ترکه و یا اشخاص دیگر ملاک قرار گرفته است. با دقت در این خصوص میتوان به این معنا پی برد که کاربرد کلمه مانع در کتابهای فقهی ماگه خالی از تسامح تعبیر نبوده و شاید به هم این خاطر بوده است که برخی نویسندگان کتب فقهی پس از ذکر موانع کفر، قتل و رقیت، تحت عنوان موانع ارث، از مابقی موارد همچون ولادت از زنا یا غیبت منقطعه یا حمل قابل وراثت در حین فوت مورث، یا لعان، تحت عنوان لواحق اسباب منع ارث یا کرده اند.

امامیه بر این عقیده است که مسلمان از کافر ارث می برد و وراثت کافر را از میراث ممنوع می کند. آنان برای اثبات نظریه خود به آیات و روایات فراوانی استدلال میکنند.

ب) تعداد موانع ارث در نزد فقهای سایر مذاهب اسلامی

تعداد موانع ارث در نزد فقهای اهل سنت نیز مورد اختلاف است. اما همان گونه که پیش از این بیان کردیم، در مانعیت سه عامل قتل، رقیت، کفر در بین آنها هم چون فقهای امامیه اختلافی نیست. لازم به ذکر است که در بین علمای اهل سنت از عامل کفرتحت عنوان «اختلاف دین» نامبرده شده است. گروهی هم چون سرخسی حنفی در کتاب «المبسوط» و شافعی صغیر در «نهایه المحتاج» فقط به ذکر این سه مانع اکتفا کرده اند، اما برخی تعداد موانع را چهار (للجرجانی، شرح السراجیه، ص ۲۴، ۱۸) و برخی شش (ابن قدامه، مغنی، ج ۲۶۶/۶، ۲۷۰، ۲۹۱، ۲۹۸، و برخی هفت (همانجا) و برخی ده (الدسوقی،

حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر، ۳۶۰/۲ ذکر کرده اند.

ج) تعداد موانع ارث در نزد فقهای حنفی

فقه‌های حنفی، قتل، رقیق، اختلاف دین و را از موانع ارث بر شمرده اند. (ابن عابدین، رد المختار علی الدرالمختار، ۵/۵۴۳، ۵۴۱). ضروری در «الکتاب» تعداد موانع ارث را چهار مورد ذکر کرده است. اما برخی از فقه‌های حنفی دو مانع بر موانع چهارگانه ضروری افزوده اند که در نزد آنان تعداد موانع شش مورد است. آن دو مانع عبارتند از:

۱- مجهول بودن تاریخ مرگ مردگان. همانند غرق شدگان، آتش سوختگان، مهدوم علیهم و کشته شدگان در یک

لحظه. ۲- مجهول بودن وارث

(د) تعداد موانع ارث در نزد فقه‌های مالکی

علمای مالکی تعداد موانع را ده تا ذکر کرده‌اند که به ترتیب عبارتند از:

۱- اختلاف دین ۲- رقیق ۳- قتل عمد ۴- لعان ۵- زنا ۶- شک در مرگ مورث هم چون اسیر و مفقود ۷- حمل

۸- شک در حیات مورث ۹- شک کردن تقدم مرگ مورث یا وارث ۱۰- شک در ذکوریت یا انانیت (رک، ابن

الرشد، بدایة المجتهد نهایة المقتصد، ۲/۳۴۴)

(و) تعداد موانع ارث در نزد فقه‌های حنبلی علمای حنبلی نیز سه مورد قتل، رقیق و اختلاف الدین را به عنوان

موانع ارث ذکر کردند. (بهوتی، کشف القناع، ۴/۴۴۸)

(ه) تعداد موانع ارث در نزد فقه‌های شافعی

فقه‌های شافعی علاوه بر سه مانع مذکور یعنی قتل، رقیق و اختلاف دین، سه مانع دیگر بر موانع بالا افزوده اند.

بنابراین نزد آنان موانع ارث شش مورد هستند که سه مورد دیگر عبارتند از 1: اختلاف کفار اصلی به حرابت و

ذمه ۲- ارتداد ۳- دور حکمی. (رملی، نهایة المحتاج الی شرح المهناج، ۶/۲۷ و ۲۶)

همه مذاهب پنجگانه اسلامی بر این باورند که کافر از مسلمان ارث نمی برد و کفر، یکی از موانع ارث است ، همه مذاهب اهل سنت این اعتقاد را دارند که بین مسلمان و کافر توارثی نیست و مسلمان از کافر، ارث نمی برد.

نکته:

کفری که در مسأله مانعیت میراث مطرح است، کفر در برابر اسلام است ، نه کفر در مقابل طاعت و یا کفر در قبال ایمان ، زیرا در روایت امام صادق (ع) آمده است : لا یتوارث اهل ملتین نحن نرثهم ولا یرثونا . ان الله عزوجل لم یزدنا بالاسلام الا عزاً : اهل دو دین متفاوت از یکدیگر ارث نمی برند. ما از آنان ارث می بریم، ولی آنها از ما ارث نمی برند. خداوند عزوجل با اسلام، جز عزت ما را زیاد نکرده است . حضرت صادق (ع) در این روایت از اسلام به عنوان ملت و دین مخالف، یاد کرده اند. پس معلوم می گردد که منظور از کفر، کفر در برابر اسلام است، نه چیز دیگر.

در اینجا به بیان توضیح کفر و قتل از موانع ارث می پردازیم.

۱- کفر

عجم نویسان فقه ، کفر را در مصطلح فق هی تعریف نموده اند. دکتر فتح الله می نویسد : کافر کسی است که منکر خدا و یا مشکوک به وجود وی و یا وحدانیت خداوند و یا منکر و مشکوک به نبوت پیامبر اسلام (ص) و یا معاد و یا منکر ضرورتی از ضروریات دین ، مانند واجب بودن نماز و

حرام بودن خمر باشد(فتح الله/۱۴۱۵: ۳۴۳)

اسباب کفر، سه چیز است: ۱. انکار چیزی که ایمان تفصیلی به آن لازم است، مانند توحید و نبوت و معاد؛ ۲. انکار چیزی که منکر می داند جزء دین اسلام است؛ آن چیز، ضروری باشد یا نباشد، اصل عقیدتی باشد یا حکم شرعی. زیرا انکار آن مساوی با انکار رسالت پیامبر (ص) است. ۳. انکار امری که از ضروریات دین اسلام است. اگر کسی التفات تفصیلی داشته باشد که چیزی ضروری دین بوده و آن را منکر شود، آن شخص کافر شده، زیرا لازمه انکارش، انکار رسالت پیامبر (ص) است. بله، اگر با قرائن روشن شود که وی در صدد انکار رسالت نبوده و آن امر را به جهت ضعف فکری و جهل خود، انکار کرده؛ آن شخص کافر و مرتد نخواهد شد (سبحانی/۱۴۰۹: ۴۹-۵۳). با بررسی نظریات معجم نویسان و فقیهان روشن گردید که کفر در مصطلح آنان، انکار خداوند یا وحدانیت وی، انکار رسالت حضرت محمد (ص)، انکار معاد و رستاخیز و یا انکار امری ضروری از ضروریات مسلم و معلوم دین اسلام است.

۲- قتل

قتل یکی از موانع ارث است که مورد اتفاق تمامی مذاهب (جواهرالکلام، ۱۳۹۸، ج ۳۹، ص ۲۳، تحریرالوسیله، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۷، المبسوط، ۱۴۰۶، ج ۳۰، ص ۳۰، الموطا، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۵۱۹، الام، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۷۵) می باشد چنانکه به غیر از صراحت فقهای اسلامی در این خصوص در ادیان دیگر مانند زرتشتی و مسیحی نیز همین اعتقاد جاری است (فهیمی، ۱۳۸۱).

در حقوق فرانسه نیز مقنن در ماده ۷۲۷ قانون مدنی آن کشور، شایستگی ارث بردن را از یکسری مرتبطن به قتل سلب می نماید. همگی این اجماع از این جهت است که اساس ارث بر علاقه و محبت میان وارث و مورث است و وارث با قتل مورث این رابطه عاطفی را گسیخته است به همین خاطر مقنن به

منظور حفظ و صیانت از جان افراد و جلوگیری از سوء استفاده ایشان اقدام به وضع قتل به عنوان مانع ارث نموده است این ازسویی است که ارتکاب قتل از جرائمی است که نظم عمومی و اخلاق حسنه را جریحه دار کرده و تبعات آن ایجاب می نماید تا مقنن با وضع مقررات خاص مجازاتهای تکمیلی نیز بر قتل وضع نماید. بی شک اعمال قانون سخت گیرانه منع ارث نمی تواند در خصوص هر نوع قتلی باشد این در حالی است که بر خلاف نظر مقنن ایرانی منبعث از اجماع فقهای شیعه در خصوص شرایط ویژه قتل مانع ارث، در دیگر آیین و حتی سایر مذاهب اسلامی یا شرایطی برای قتل مانع ارث قائل نیستند و یا به بیان شرایط کلی و دو پهلو اکتفا نموده اند چنانکه در مذاهب شافعی و حنبلی هر نوع قتلی را مانع ارث دانسته و تفاوتی بین قتل عمدی و غیر عمدی قائل نشده اند (ابن قدامه، ۱۳۹۰ق، ۲۶/۳۰) و یا پیروان مذهب حنفی نیز قتل حرام را مانع ارث دانسته اند و قتل حرام نیز از نظر ایشان قتلی است که مستوجب کفاره یا قصاص باشد (المبسوط، ۱۳۷۰ق).

با این توضیحات قول کدام صائب است آیا هر نوع قتلی مانع ارث است؟ قبل از پاسخ دهی به سوال لازم است شرایط قتل مانع ارث بر مبنای قانون مدنی ایران که منطبق با دیدگاه علمای مبرز شیعه می باشد بیان شود.

نتیجه گیری:

ارث در فقه به معنای استحقاق مال یا حقی است که با مرگ یا حکم به موت دیگری حاصل می شود. وارثان پس از ادای حقوق و دیون متوفی، طبق طبقات ارث سهم الارث خود را مالک می شوند. موجبات ارث دو عامل نسب (رابطه از طریق ولادت) و سبب (رابطه بر اساس ازدواج و

ولاء) است. کفر، قتل، بردگی، لعان، حمل، غایب بودن و زنا طبق شرایطی از موانع ارث هستند. زوج و زوجه از یکدیگر ارث می‌برند، با دیگر وارثان شریکند و طبق موارد مختلف، سهم الارث متفاوتی دارند. قرآن در آیات ارث با رویکردهای مختلف اعتقادی، اخلاقی و آیات الاحکام به موضوع ارث پرداخته و بخشی از قوانین مهم ارث در اسلام را (مانند طبقات وراثت و سهم الارث آنها و کلاله) بیان کرده است. جزئیات بیشتر قانون ارث در روایات فقهی آمده است. یکی از ویژگی‌های احکام ارث در اسلام، دوبرابری سهم ارث پسر نسبت به ارث دختر است.

در همه مذاهب پنجگانه موانع ارث موردتایید است، در مانعیت سه عامل قتل، رقیت، کفر در بین آنها هم چون فقهای امامیه اختلافی نیست. اما در تعداد این موانع در بین فقهای شیعه اختلاف است این موانع از ۳ تا ۲۰ مورد ذکر شده است. بیشتر فقهای شیعه ۳ مورد را به عنوان موانع ارث مورد پذیرش دارند. در هر یک از مذاهب اهل سنت تعداد موانع ارث متفاوت است.

در فقهای حنفی، قتل، رقیت، اختلاف دین و را از موانع ارث برشمرده اند. (ابن عابدین، رد المختار علی الدرالمختار، ۵/۵۴۳، ۵۴۱). برخی از فقهای حنفی دو مانع بر موانع چهارگانه ضروری افزوده‌اند که در نزد آنان تعداد موانع شش مورد است. آن دو مانع عبارتند از 1: - مجهول بودن تاریخ مرگ مردگان. همانند غرق شدگان، آتش سوختگان، مهدوم علیهم و کشته شدگان در یک لحظه 2: - مجهول بودن وارث

علمای مالکی تعداد موانع را ده تا ذکر کرده‌اند که به ترتیب عبارتند از: 1- اختلاف دین 2- رقیت 3- قتل عمد 4- لعان 5- زنا 6- شک در مرگ مورث هم چون اسیر و مفقود 7- حمل 8- شک در حیات مورث 9- شک کردن تقدم مرگ مورث یا وارث 10- شک در ذکوریت یا انانیت (رک، ابن الرشد، بدایة المجتهد نهایة المقتصد، ۲/۳۴۴)

علمای حنبلی نیز سه مورد قتل، رقیت و اختلاف الدین را به عنوان موانع ارث ذکر کردند. (بهوتی، کشف القناع،

۴/۴۴۸)

فقهای شافعی علاوه بر سه مانع مذکور یعنی قتل، رقیت و اختلاف دین، سه مانه دیگر بر موانع بالا افزودند.

بنابراین نزد آنان موانع ارث شش مورد هستند که سه مورد دیگر عبارتند از 1: اختلاف کفار اصلی به حرابت و

ذمه 2- ارتداد 3- دور حکمی. (رملی، نهاییه المحتاج الی شرح المهناج، ۶/۲۷ و ۲)

همه مذاهب پنجگانه اسلامی بر این باورند که کافر از مسلمان ارث نمی برد و کفر، یکی از موانع ارث است

، ولی امامیه بر این عقیده است که مسلمان از کافر ارث می برد و وراثت کافر را از میراث ممنوع می کند. آنان

برای اثبات نظریه خود به آیات و روایات فراوانی استدلال میکنند. برعکس امامیه، همه مذاهب اهل سنت

این اعتقاد را دارند که بین مسلمان و کافر توارثی نیست و مسلمان از کافر، ارث نمی برد.

منابع:

• نورفیروزجاه، ام کلثوم (۱۳۸۸) احصای موانع ارث در مذاهب اسلامی. فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن

سال پنجم • شماره بیستم • تابستان ۱۳۸۸

موسوی، صدری، باقری، عامری به مطالعه ارث و وصیت؛ حق یا حکم؟ دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق

مدنی سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵ (پیاپی ۹)

خوانین زاده، دکتر محمدحسین (۱۳۸۸) بازبینی کفر در مانعیت ارث، سال یازدهم، شماره ۲۶، بهار و تابستان

۱۳۸۸

العاملی، محمد بن جمال الدین (شهید اول). القواعد و الفوائد. قم: مکتبه الداوری، [بی تا]، [بی جا] عاملی، شیخ

بهاء الدین. جامع عباسی. تهران: انتشارات فراهانی، [بی تا]، [بی جا]

الرملی، شمس الدین احمد. نهاية المحتاج الی شرح المنهاج. مصر: احمد مطبعه، مصطفی البابی، ۱۹۳۸م.

الخمینی، السید روح الله الموسوی [امام خمینی]. تحریر الوسیله. قم: انتشارات قدس محمدی، [بی تا]، [بی جا]

ابن رشد، ابوالولید محمد بن احمد. بدایه المجتهد و نهاية المقتصد. منشورالرضی قم: [بی تا]، [بیجا]، [بی تا]، [بی

جا]

ابن عابدین، محمد امین. حاشیه رد المختار علی الدر المختار. مصر: مطبعه البابی الحلبي، ۱۲۸۶ق

البهوتی، منصور بن یونس. کشف القناع عن متن الاقناع. ریاض: مکتبه النصر الحدیثه، ۱۳۱۹ ه.ق. 5. جعفری

لنگرودی محمد جعفر. ترمینولوژی حقوقی. تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش. جعفری لنگرودی،

محمد جعفر. وصیت و ارث. تهران: چاپ اول، سال ۱۳۶۳ ش.

الطوسی، ابن جعفر محمد بن الحسن بن علی [شیخ طوسی]. الخلاف فی الفقه. فی طهران عاصمه ایران. الطبعه

الثانیه، ۱۳۸۲ ق.

شوکانی، محمد بن علی (۲۰۰۹). فتح الغدیر. مصر: المکتبه التوفیقیه.

قبلهای خوبی، خلیل (۱۳۸۹). ارث. تهران: انتشارات سمت.

حبیبی، اکبری (۱۳۹۱) قتل مانع حقیقی موانع ارث، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

۱۳۶-۱۲۱ صفحات